

# شکل دادن به جنبش سراسری و قدرتمند دستمزدها

بیانیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

نسل جدیدی از طبقه کارگر در حالی به سن بازنشستگی نزدیک میشوند که جز دستمزدهای محقر و زیر خط فقر را تجربه نکرده اند؛ برای آنها جهنم دره کار و استثمار هرگز کفایت دستمزد کافی و پاسخ گوی نیازهای پایه نبوده است. در آستانه سال ۱۴۰۳ بازار توطئه کارگزاران سرمایه داغ است تا با بساط مسخره و نفرت انگیز شورای عالی کار سال دستمزدی در قعر خط فقر را به چهل میلیون خانواده بزرگ کارگری تحمیل نمایند؛ تا از آن یک سینه زنی حقیر در سوگ مظلومیت کارگران جلو صحنه براند. سناریوی سالانه دستمزدهای جمهوری اسلامی تماما ضد کارگری است؛ همه میدانند در غیاب حضور و اراده نمایندگان مستقل کارگری هر گونه توهم به افزایش واقعی و عملی دستمزدها از کانال افشاکری ارگانهای دولتی بیهوده و مسموم و توخالی است. دنیای سلطه وحوش سرمایه هر چه میخواهد باشد، ما کارگران برای افزایش دستمزد التماس نمی کنیم، دست دعا به آسمان بر نمیداریم، خود را با فریب به کم قانع نمیکنیم. ما کارگران صفوف خود را فشرده و متحد می کنیم و خواست های خود را به کرسی می نشانیم. امروز موعد تعیین حداقل دستمزدها بر اساس تورم و نیاز خانواده کارگری است. واقعیت زندگی عمومی طبقه کارگر گویا است. بیست درصد از جامعه کارگری، به اصطلاح «حداقلی بگیران» مشروط به سعادت بهره از یک شغل و یک کارفرمای سودجو محکوم به معاش یک سوم زیر خط فقر است و جز نگون بختی در انتظار نیست. ... صفحه ۲

# جمهوری اسلامی بعد از «انتخابات»

خالد حاج محمدی



«انتخابات» دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری، پایان یافت. «انتخاباتی» که خود مقامات و رسانه های جمهوری اسلامی آنرا بی رونق ترین «انتخابات» تاریخ جمهوری اسلامی نام میگذارند. با این وصف سران و روسای جمهوری اسلامی تلاش کردند صفوف خود را متقاعد کنند که

این «انتخابات» با حدود «۴۰ درصد مشارکت» مورد ادعای خودشان يك «پیروزی» بزرگ بوده است. خامنه ای نتیجه مورد ادعا را «جهاد» و کار مردم ایران را «حماسه آمیز» خواند.

اما و مستقل از ادعاهای خامنه ای و بقیه سران حکومت، برای همه، چه مردم ایران و چه جمهوری اسلامی، نتیجه از پیش روشن بود. معلوم بود که «انتخابات»، به هیچ عنوان مسئله جامعه نیست. اگر بحث «انتخابات» در رسانه های رسمی و دولتی و صفوف حکومت از مجرای جدالها جناح ها بر سر سهم شان در قدرت و تلاش برای حذف دیگری و گله گذاری های تعدادی از چهره های جمهوری اسلامی که مورد بی مهری قرار گرفته اند، میگذشت، در پایین جامعه «انتخابات»، فقط امکانی بود تا اکثریت مردم یکبار دیگر انتخاب واقعی خود یعنی رفتن جمهوری اسلامی را با صدایی رساتر اعلام کنند. کم نبودند جاهایی که حتی امکان گذاشتن صندوق رای را نیافتند، جاهایی که صندوق رای را جمع کردند و جاهایی که مراسم «انتخاباتی» حکومت به مراسم جوك و تمسخر مردم تبدیل شد. این تنها مقام «انتخابات» در جامعه بود.

تلاش حکومت و ادعای ۴۰ درصد مشارکت، و پیامهای خجولانه تریک و تقدیر از «جهاد» و «حماسه» قادر به لاپوشانی افتضاح انتخاباتی شان نشد. کار به جایی رسید که حتی مهره های جمهوری اسلامی ناچار شدند به عدم مشارکت مردم، نادقیقی آمار مشارکت مورد ادعای حکومت، استفاده از کد ملی مردم و رای دادن به جای آنها و بدون اطلاع شان اعتراف کنند. با این وصف پایان این مضحکه برای جمهوری اسلامی خلاصی از پدیده ای بود که به معضلی جدی تبدیل شده بود. ترس و نگرانی از چگونگی برگزاری «انتخابات»، با علم به احتمالات مخاطره آمیز آن برای جمهوری اسلامی، نگرانی از چگونگی حفاظت از صندوقهای رای تا هراس از بهم خوردن صفوف بالای جمهوری اسلامی بدلیل حذف بخشی از خودی ها، یا تبدیل نشدن روز «انتخابات» به روز اعتراض و انفجار اجتماعی و عبور سام حکومت از این مناسبت، ... صفحه ۲

# لیست نمایندگان کنگره ۱۱ حزب حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۳

## انتخابات

## «پاسخ دندان شکن مردم»

مظفر محمدی



جمهوری اسلامی زیر ضربات پی در پی جنبش های طبقاتی و اجتماعی برای آزادی و رهایی است. خیزش های انقلابی مداوم سالهای اخیر تا جنبش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ هر بار پوزه ی حکام جمهوری اسلامی را بخاک مالیده اند. شرکت نکردن اکثریت جامعه در انتخابات فرمایشی هم یک سیلی دیگر و یک جنبش توده ای نه به جمهوری اسلامی و نفی مشروعیت این نظام تبهکار است.

در کشمکش های طبقاتی و اجتماعی، دو نیروی متخاصم در مقابل هم قرار گرفته اند. در یک طرف نیرویی قرار گرفته است که چه با ابزار فریب اصلاحات و اعتدالگرایی و عدالت خواهی و انتخابات و چه با تهدید و کشتار و سرکوب، تلاش کرده است به این تخاصم خاتمه داده و جامعه را خاموش و به تسلیم بکشاند. ... صفحه ۲

# آزادی برابری حکومت کارگری

در چنین شرایطی طبقه کارگر قبل از هر چیز به صف مستقل طبقاتی، به هماهنگی و همبستگی مبارزاتی سراسری نیاز دارد.

اولین گام طبقه کارگر و صف مستقلمش در مساله ی دستمزد، اعتراض قاطع و به زباله دان ریختن مصوبه ی دستمزد دولت و مجلس اسلامی است. بورژوازی نباید فکر کند با اعلام ناچیز توهین آمیز ۱۷ درصدی، پرونده ی دستمزدها را برای یک سال می بندد. مبارزه طبقه کارگر برای افزایش دستمزد برای زندگی ای انسانی، همیشه باز است. این طبانی است برگردن حکام سرمایه و در دست طبقه کارگر که مدام و در هر زمانی بر گردن کلفت و مفتخوران فشرده می شود!

طبقه کارگر در موضوع دستمزدها که جدال اصلی و همیشگی کار و سرمایه است، به ابزارهای این مبارزه نیاز دارد. جنبش مجمع عمومی منظم کارگری که امروز به سنتی تبدیل شده است، ابزار قدرتمند و توده ای دخالت و تصمیم گیری و ایجاد صف مستقل کارگری، امروز برای افزایش دستمزد و دیگر حقوق کارگری و ابراز وجود کارگران به مثابه یک طبقه در مقابل طبقه سرمایه دار حاکم است. مجمع عمومی سنگر محکم رهبران و نمایندگان توده ی کارگران در مقابل هر گونه تعرض ضد کارگری است. تعرض به هر نماینده و رهبر کارگری تعرض به مجمع عمومی و کل توده ی کارگرانی است که تصمیم گرفته اند.

بعلاوه جنبش مجمع عمومی و نمایندگان منتخب آن شرایط را برای یک جنبش سراسری و هماهنگ بویژه در مراکز کلیدی کارگری فراهم می کند. بورژوازی حاکم، در صورتی که از خواست افزایش واقعی دستمزدها متناسب با تورم و نیاز خانواده کارگری سر باز بزند، نمی تواند تهدید اعتصاب سراسری کارگران را نادیده گرفته و سر بر بالین آسودگی و بیخیالی بگذارد.

کارگران، رفقا!

منطق نظم کاپیتالیستی بر اساس کاهش دائمی مزد کارگر در گردش است، سود بعنوان تنها فلسفه بقای این نظام جز با حمله مداوم به معیشت؛ جز با فقر و بیکاری طبقه کارگر ممکن نیست. بازتولید سرمایه در ایران در عمق بحران و تناقضات گریبانگیر، بر یک حمله و توحش افسار گسیخته استوار است که حملات سالانه به دستمزد کارگران یک بخش مهم و شاخص گویای آن است. استثمار و بهره کشی بجای خود، صفوف حکومت سرمایه هر سال در حمله جدیدی به طبقه کارگر دست به باز سازی صفوف خود میزنند. حمله به دستمزدها محدود به فصل سناریو سالانه دستمزدها و مصوبه جانیبتکارانه حداقل دستمزدها نیست، اما کشمکش دستمزدها در پایان سال است که جلوه سراسری بخود میگیرد و پای کل طبقه چه کارگر و چه سرمایه را همیان میکشد. این کابوس نفرت انگیز دستمزدها، چرخه نکبت فقر و تنگدستی، خفت و بی حرمتی دیگر بس است.

حزب حکمتیست خط رسمی کارگران کمونیست و همه فعالین و رهبران کارگری را فرا میخواند تا با ایجاد وسیع ترین حمایت و دخالت در تدارک یک جنبش سراسری و اقدامات مناسب و متحد حول افزایش دستمزدها در پایان بخشیدن در سلطه ننگین شورای عالی کار در تحمیل بندگی و فقر شریک شوند. هیچ چیز نمیتواند مانع تدارک صفوف ما کارگران شود، همه باید ببینند و بدانند کارگران تصمیم ندارند به مصوبه ننگین دیگری تسلیم شوند. بگذار قره نوکران و نمایندگان قلابی بدانند دوران بالماسکه ی نمایندگان بورژوازی در دولت، مجلس، شورایعالی کار و دیوان عدالت اداری بسر رسیده است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۱ اسفند ۱۴۰۲ - اول مارس ۲۰۲۴

پنجاه در صد دیگر از کارگران، مشمولین «سایر گروه های دستمزدی»، در بر گیرنده بخش اعظم کارگران صنعتی در ایران، علاوه بر حداقل مزد از این سعادت برخوردارند که با مالیدن پیه سکوت و تسلیم بر سر اضافه کاری با یکدیگر به رقابت پردازند. کارگران فولاد اهواز با سیصد ساعت کار ماهانه به ازاء چیزی نزدیک به پانزده میلیون تومان دستمزد با اعتصاب خود شهر اهواز را روی سر گذاشتند. کارگران بخش های اصلی صنایع بزرگ در شرایط مشابه با فرسودگی و تباهی دست بگریبان هستند.

سی در صد باقیمانده از ایت کارگران در صنایع حساس نفت و مشابه آن در میان انواع وعده های پوچ و پا در هوا، در انتظار طرح های متنوع همسان سازی و امثالهم برای سالهای طولانی همچنان سرگردان هستند.

طبقه کارگر ایران در اسارت مشترک در دستمزد پایه، اما با شکافهای عمیق و تفرقه در صفوف خود بعنوان عامل اصلی مبارزه ی سراسری برای دستمزد مکفی، روبرو است. بخش وسیعی از کارگران خارج از دایره «حداقل بگیران»، اما با بهره گیری از پول سیاه «سنوات» به اضافه کاری حواله داده میشوند تا شاید سطح دستمزد را کمی بهبود ببخشند.

پر واضح است که کارگران حق دارند از امتیازات سابقه کار و مهارت و غیره در هیبت آیتیم های دستمزد و بر اساس ضوابط روشن و سراسری بهره ببرند. اما مهمتر اینست که این تفرقه و درجه بندی های دردناک میتواند به حاشیه رانده شود. همه بخشهای کارگری در ایران میتوانند و منافعشان مستقیماً ایجاب میکند که در تحقق فوری و بدون قید و شرط دستمزدهای پایه شایسته متحد شوند. این مبارزه معادله نکبت بار دستمزدهای فقر را در ایران پایان میدهد و بخشهای مختلف طبقه را در تحمیل سایر آیتیم های مزدی پهراتب تقویت میکند.

شکل دادن به یک جنبش سراسری دستمزدها و مشخصاً از طریق یک شعار واحد، اعتراض و اتحاد سراسری، هیچ کدام ایده تازه ای نیستند. از نیشکری های هفت تپه و کارگران فولاد اهواز تا اتوبوسرانان شرکت واحد و کارگران ذوب آهن اصفهان و... خمیرمایه تجربه اعتصابات مداوم در صنایع و مراکز اصلی، بیش از هر وقت دیگری این امکان را در دسترس قرار میدهد که با دخالت و تبادل نظر و تلاش پیشروان طبقه جنبشی قوی تر از هر زمان را در دستور گذاشت. ما هرگز از صفر آغاز نمیکنیم، هر گام و هر حرکت ما بر قلندوش سابقه این مبارزه در بخشهای مختلف و جانفشانی و اعتراض طبقه کارگر در چندین دهه ایستاده است. اما نیاز به توان بیشتر، اتحاد سراسری و در یک کلام قدرت بیشتر و روشهای موثرتر داریم.

دشمن را باید به عقب نشاناند. تسلیم و بهره کشی بس است، انتظار بس است. برادری و اتحاد کارگری را به حرکت در آوریم. هیچ سر و هیچ طلسمی در کار نیست. بدون دخالت مستقیم کارگران صنعتی زور حداقلی بگیران کفایت نخواهد کرد اما بدون اعتراض حداقلی بگیران تمام داستان مشمولین سایر سطوح دستمزد بر باد میرود.

در حالی که نمایندگان واقعی طبقه کارگر در شورایعالی کارغایب است و در حالی که خود بانک مرکزی تورم را ۳۰ درصد اعلام کرده، دولت ضد کارگری، چندرفاز افزایش ۱۷ درصدی را پیش کشیده است. این در حالی است که میزان تورم واقعی در مسکن، مواد خوراکی و دارو صد و پنجاه درصد است و حتی افزایش ۱۵۰ درصدی دستمزدها هنوز تازه طبقه کارگر را به مرز خط فقر میرساند. بورژوازی حاکم دیگر مزایای کار از جمله طبقه بندی مشاغل، سنوات، همسان سازی، حق مسکن، حق اولاد و... را از طبقه کارگر گرو گرفته است. بورژوازی همه ی این حقوق کارگری را به طبقه ی ما بدهکار است. قرارداد موقت و باز گذاشتن دست سرمایه داران در اخراج کارگران بدون حق دفاع از خود، چهره ی کریه ضد کارگری بورژوازی حاکم را بدون پرده و در اوج وقاحت عیان کرده است.

## کارگران کمونیست!

## حزب ما، سنگر اتحاد و تشکل حزبی شما است.

## حزب را از آن خود کنید!

هراس مشترک هردو جناح و تمام مشتقات آن بود. هراس و نگرانی که به رغم جان سالم به در حاکمیت از «انتخابات، آینده روشن و شیرینی را برای جمهوری اسلامی ترسیم نمیکند.

پیروزمند این مراسم نه جمهوری اسلامی و کسانیکه نامشان از صندوق رای بیرون آمد، بلکه مردم آزادخواهی بود که با عدم شرکت، با بهم زدن بساط این مضحکه، با اعلام رسمی اینکه نه این انتخابات را به رسمیت میشناسند و نه جمهوری اسلامی را، مردمی که رسماً و علناً به این مناسبت اعلام کردند انتخاب شان رفتن و سرنگونی نظام است! مردمی که فضا و ام شنگه انتخاباتی کمترین تأثیری بر اعتراض و جدال شان برای رفاه و آزادی نداشت و برعکس ضرورت اعلام انزجار و نفرت، اعلام عزم برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی را چند برابر کرد. در دوره ای که بالایی ها مشغول کش و قوس جناحی و چرتکه اندازی های خود بودند، پائین جامعه، کارگران و زنان و جوانان، معلم و پرستار و بازنشسته و مردم محروم در هر مناسبتی و در هر تجمعات اعتراضی خود به اشکال مختلف ابراز انزجار خود از حکومت و انتخاباتش را اعلام کردند.

اکثریت عظیم مردم ایران، به حق انتظاری از این مضحکه نداشتند، «انتخابات» قرار نبود در رابطه مردم با حاکمیت بهبودی ایجاد کند، کسی برای «انتخابات» تره خرد نمیکرد و کسی در پایین منتظر نتیجه آن نبود. «انتخابات» طبق معمول بازی در بالا برای تغییر توازن میان لایه ها و جناح های حکومت بود. قرار بود امسال کاری کنند هم خط اصولگرایان و طرفداران بیت خامنه ای در راس نظام باشند و هم بقیه به بیرون از دایره دفاع از نظام پرت نشوند و تشتت در بالا به جایی نرسد که به فرصتی برای شورش در پایین تبدیل شود.

اکنون و بعد از «انتخابات» جمهوری اسلامی ای را مشاهده میکنیم که ضعیف تر، بی اعتماد به نفس تر، بی اعتبار تر و بی روحیه تر از قبل در مقابل جامعه قرار گرفته است. بالای جمهوری اسلامی از ترس پایین جامعه و سرنگونی کل نظام، علیرغم تشدید اختلافات و انشقاق های جدی، ظاهراً حول مقابله با رادیکالیسم پایین و حفظ نظام کاپیتالیستی، در کنار هم ایستاده اند. اما همه میدانند دایره حاکمیت کوچک تر و دایره مخالفین حتی در بالاترین سطح و در میان روسای تاریخی جمهوری اسلامی وسیعتر شده است. خودی ترین خودی ها هم دیگر روی اسب بازنده شرط بندی نمیکنند. بعد از «انتخابات» مردم آزادخواه خود را با حاکمیتی ضعیف تر، غیر متحد

## انتخابات، پاسخ دندان شکن مردم...

در طرف مقابل، اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانانی است که به تغییر شرایط زندگی و برای آزادی و رفاه و خوشبختی کمر بسته است. جمهوری اسلامی در آخرین نمایش فریبکارانه ی خود به نام انتخابات برای کسب مشروعیت، مفتضحانه شکست خورد. عدم شرکت اکثریت مردم در انتخابات مجلسین جمهوری اسلامی، بدیهی ترین کاری است که میشد انجام داد. نه به این خاطر که گویا نمایندگان مردم به مجلس راه نیافتند، بلکه به این خاطر جمهوری اسلامی از بیخ و بن مشروعیت ندارد و نظامی مبتنی بر استبداد سیاسی، مافیای اقتصادی، آپارتاید جنسی و استفاده از قتل و کشتار جمعی و زندان و شکنجه برای حفظ سلطه ی سیاسی، اقتصادی و نظامی بر جامعه است. این ها از دانسته ها و بدیهیاتی است که جامعه به آن رسیده است. جامعه از جمهوری اسلامی عبور کرده است. گام بعدی پیشروی جامعه ساختن ابزارهای قدرت است. ابزارهای قدرت امروز برای به کرسی نشاندن خواستهای اقتصادی، اجتماعی و آزادیهای سیاسی تا زمانی که پشت دشمن به دیوار خورده و به زانو در آید. و ابزارهای قدرت حاکمیت از پایین توده های کارگر و زحمتکش برای اداره جامعه پس از سرنگونی جمهوری اسلامی.

در رابطه با انتخابات های جمهوری اسلامی معمولاً احزاب و گروه های صفوف بورژوازی ناراضی و در اپوزیسیون تعبیر و تفسیر گمراه کننده ای را به خورد جامعه می دهند که گویا در نظام بورژوازی بطور عام و در جمهوری اسلامی بویژه، جور دیگری از انتخابات وجود دارد که مردم در آن برنده می شوند.

اما در نظام سرمایه داری و دنیای واقعی، هیچکدام از این انتخابات ها به نام دموکراسی و پارلمان، ابزار دخالت واقعی و مستقیم مردم در اداره ی امور جامعه و کسب قدرت نیستند. با این وجود اگر در شرایط و توازن قوای معین، طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه مجبور شوند در انتخاباتی شرکت کنند، این کار ملزومات و پیش شرط هایی دارد. اولین شرط هر انتخاباتی آزادی بی قید و شرط سیاسی است. آزادی بیان و احزاب و تشکل های کارگری مستقل و تشکل های توده ای مردم است. برای هر انسان آگاه و هر وجدان سالمی روشن است که در شرایط خفقان سیاسی، ممنوعیت احزاب کارگری و کمونیستی و در غیاب احزاب سیاسی و نهادهای اجتماعی، صحبت از انتخابات اگر شوخی نباشد، دهن کجی و توهین به جامعه و مردم است. افرادی که در این مضحکه از صندوق بیرون می آیند از میان ابله ترین عناصر در

تر و روحیه باخته تر و مردمی با اعتماد به نفس تر، مدعی تر و جسور تر در مقابل حاکمان می بینند. اما این انتخابات فقط مهر شکست جمهوری اسلامی را بر خود نداشت. اپوزیسیون راست نیروی دیگری است که نه فقط بیربطی خود به جامعه، به سوخت و ساز و فضای سیاسی آنرا یکبار دیگر به نمایش گذاشت، که نقطه اشتراک خود در هراس از هرچه رادیکال تر شدن جنبش توده ای مردم ایران، طبقه کارگر ایران، زنان و نسل جوان و اقشار محروم جامعه، برای سرنگونی با پرچم آزادی و برابری، با پرچم آزادی کامل زن و رفاه همگانی و با نیروی انقلابی خود، را به نمایش گذاشت. فراخوانهای «تحریم»، «آهیم در شرایطی که سازمانهای مستقل کارگری، فرهنگیان و ... رسماً اعلام کرده بودند که این مضحکه را به رسمیت نمی شناسند، آژیتاسیون های بیمایه برای «قانع» و «تشویق» کردن مردم به عدم شرکت گوشه ای از این بیربطی و همزمان هراس از «کنترل خارج شدن» اعتراض مردم بود.

اپوزیسیون که با علم به این واقعیت که انقلاب آتی در ایران این بار از کانال لابی گری آنها با محافل امپریالیستی، از کانال دخالتگری های ناتو در توافق با ارتش و سپاه و ناراضیان حکومتی نمیگذرد، با علم به اینکه طبقه کارگر و زنان و نسل جوان، هزاران فعال و رهبر با تجربه در میان طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه با تجارب دهها ساله و انقلابات پیشین، اجازه سوداگری از بالا و تبدیل ایران به سوریه و عراق و افغانستان و... را نمیدهند، در کنار سران جمهوری اسلامی نظاره گر تحولات در جامعه و منجمله این مضحکه بود.

سران جمهوری اسلامی به این واقعیت که رای مردم در این انتخابات رای است که در دیماه ۹۶، آبانماه ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ داده اند، واقف است. به این واقعیت که نسل امروز زنان و مردان، نسل امروز از کارگران سوسیالیست و شخصیتهای کمونیست در جنبشهای اجتماعی در تلاشند عبور جامعه از جمهوری اسلامی با انقلابی عمیق و انسانی بر دوش و به رهبری طبقه کارگر آگاه انجام بگیرد و راه دخالت ارتجاع محلی و منطقه ای برای موج سواری به نام مردم ایران و خون پاشیدن به انقلاب پایین را از نطفه خفه کنند، واقف است. به این واقعیت که سوال در مقابل این صف در این دوره شرکت و عدم شرکت در «انتخابات» نبود بلکه تأمین نیازهای این انقلاب از جمله در مناسبتهای مختلف و از جمله «انتخابات» و سوق دادن و نزدیک کردن جمهوری اسلامی به سرنگونی ای انقلابی است، به این واقعیت که بازنده اصلی «انتخابات» کل نظام است، واقف اند. «انتخابات» تمام شد اما جدال بر سر آزادی و رفاه و برابری با تغییر توازن قوا به نفع مردم به روال سابق ادامه دارد.

سیاست و فرصت طلبانی اند که بوی رانت و دزدی از سفره مردم به مشامشان خورده و مجلس بیزنسی برای پر کردن جیب است.

طبقه کارگر اما شکل و ابزار اعمال قدرت مستقل خود را دارد. این ابزار چیزی جز شوراهای کارگری و حاکمیت شورایی نیست. حاکمیت اکثریت تنها در جریان عمل و دخالت مستقیم و از پایین توده های کارگر و زحمتکش متحقق می شود. در شرایط امروز، جنبش مجمع عمومی منظم کارگری، سنگ بنای محکم ابراز وجود قدرتمند برای رسیدن به خواستهای فوری و ابزار قدرت و حاکمیت شورایی در فردای پس از سرنگونی جمهوری اسلامی است.

دموکراسی و پارلمان ابزار حاکمیت اقلیت دارا و سرمایه دار برای حفظ و بقای بردگی مزدی و استبداد سیاسی نظام سرمایه داری است.

ما کمونیست ها و طبقه کارگر آگاه برای جامعه ای آزاد و برابر مبارزه می کنیم. جامعه ای که هیچ قانون و مقرراتی بجز از درون شوراهای کارگری و مردمی بیرون نمی آید و هیچ نماینده ای تام الاختیار و برای مدت طولانی ماموریت نمی گیرد. نمایندگان مجامع عمومی و شوراهای کارگری در صورت تخلف و سرپیچی از قوانین و مصوبات از پایین شوراها، بلافاصله عزل شده و کس دیگری جانشین او می شود. تشکیل کنگره سراسری شوراهای مردمی هم از این قانون و مقررات تبعیت می کند. در چنین سیستم اداره ی جامعه نمایندگی نه برای طولانی مدت و چند ساله و غیر قابل عزل اند و نه حقوقی بیشتر از یک کارگر دریافت می کنند.

از آنجا که آزادی بدون برابری ممکن نیست. برابری در همه ی حقوق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و مدنی از قوانین پایه ای حاکمیت شورایی است. بعنوان مثال برابری زن و مرد بدون برابری اقتصادی و استقلال زن در همه ی امور مربوط به کار و زندگی، بی معنی و غیرممکن است. در هشتم مارس امسال و روز جهان زن، شعار آزادی و برابری بدون قید و شرط زن در همه ی عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ... طنین انداز خواهد بود.

در یک کلام، دموکراسی پارلمانی یک دروغ و فریب جامعه و ابزار و شکل حاکمیت طبقات دارا برای استثمار کارگران و تحمیل تبعیض و نابرابری به اکثریت جامعه است. شوراهای کارگری و مردمی یک حقیقت و شکل حاکمیت از پایین اکثریت کارگران و محرومان جامعه برای ایجاد جامعه ای آزاد و برابر است.

## نمایندگان کنگره ۱۱ حزب حکمتیست (خط رسمی)

امسال پرچم رهایی زن، پرچم آینده ای فارغ از تبعیض و نابرابری، پرچم «ما به قدرت خود می توانیم»، در دست جنبش برابری طلبی زنان در ایران است. جنبشی که رهایی و آزادی زن در ایران را به سکویی برای رهایی زن در سراسر جهان تبدیل خواهد کرد.

این جنبش مردمی است که برای اولین بار در تاریخ جهان، بنام حق زن، بنام آزادی و برابری، پایه های یک حکومت ضدزن، ضدبشری و استثمارگر را نه تنها به لرزه در آورده است، که آن را به لبه پرتگاه سقوط کشانده است.

- ۱- ابراهیم هوشنگی
- ۲- احمد مطلق
- ۳- اسماعیل زندی
- ۴- آذر مدرسی
- ۵- آرام خوانچه زر
- ۶- آرش پویا
- ۷- آروین مرادی
- ۸- آزاد کریمی
- ۹- آسو سهامی
- ۱۰- آریتا رهنما
- ۱۱- اسد کوشا
- ۱۲- آسو فتوحی
- ۱۳- امان کفا
- ۱۴- بابک امانی
- ۱۵- بنفشه توکلیان
- ۱۶- پرویز وکیلی
- ۱۷- ثریا شهابی
- ۱۸- جاوید اعتمادی
- ۱۹- جمیل نظرگاهی
- ۲۰- حامد جهانگیری
- ۲۱- حبیب عبداللہی
- ۲۲- خالد حاج محمدی
- ۲۳- خسرو موسوی
- ۲۴- رامین هدایت
- ۲۵- رعنا کریم زاده
- ۲۶- ژیان منوچهری
- ۲۷- ژیلآ آوانسیان
- ۲۸- سارا مرادی
- ۲۹- سالار کرداری
- ۳۰- سیوان رضایی
- ۳۱- سونیا محمدی
- ۳۲- شاهین احمدیان
- ۳۳- شروین موحد
- ۳۴- شهلا رضایی
- ۳۵- علی خیری
- ۳۶- فارس محمود
- ۳۷- فرید ضرغام
- ۳۸- فواد عبداللہی
- ۳۹- قادر محمودپور
- ۴۰- کریم خضری
- ۴۱- کوشا بهروش
- ۴۲- گلاویژ محمدی
- ۴۳- لادن داور
- ۴۴- لاله زندی
- ۴۵- مازیار هوشیار
- ۴۶- محمد راستی
- ۴۷- محمد فتاحی
- ۴۸- مظفر محمدی
- ۴۹- مهران رضانی
- ۵۰- مونا شاد
- ۵۱- هلن داوودی
- ۵۲- وریا نقشبندی
- ۵۳- هدیه ساعی

## سیل در سیستان و بلوچستان! «همبستگی و همسرنوشتی

### مردمی»

بیش از یک هفته از وقوع سیل در استان سیستان و بلوچستان می گذرد و هنوز مناطق مسکونی، جاده ها و مزارع ۱۴ شهرستان و بیش از ۵۰۰ روستا بدلیل قطع ارتباطات و نبود جاده های مناسب حمل و نقل، در شرایط بحرانی بسر می برند. دستگاه های دولتی جمهوری اسلامی پس از وقفه ی طولانی با پخش آمارهای غیر واقعی امدادهای دولتی و حضور رئیسی بر فراز منطقه مانور و نمایش می دهند.

سپاه پاسداران با تصرف وسایل نقلیه هلال احمر که مدعی اند نهادی غیر دولتی است اما در واقع تحت کنترل دستگاه های اطلاعاتی و سپاه پاسداران قرار دارد، کمک های مردمی را تحویل و مصادره می کند. در جریان کمک رسانی مردم کردستان به زلزله زدگان کرمانشاه در سال ۹۶، نیروهای نظامی وسایل نقلیه ی محموله های کمکی مردم را بین راه متوقف و آن را با تهدید سلاح و زور به ماشین هایی با آرم هلال احمر که در کنترل خودشان است منتقل میکردند.

جمهوری اسلامی علاوه بر سوء استفاده از کمک های مالی مردم و مصادره ی دولتی و سپاهی آن، تلاش کرده است حمایت های انساندوستانه ی مردم را بی نام و نشان کرده و از پیوستن شان به همدیگر و دریافت پیام های همبستگی و همدردی جلوگیری کند.

این بار هم مردم انساندوست شهر و روستاهای ایران برای کمک به هموعانشان در سیستان و بلوچستان به جمع آوری کمک های نقدی و جنسی همت گمارده اند. مردم کماکان تلاش می کنند خود مستقیماً کمک هایشان را به مردم آسیب دیده برسانند تا از دریافت آن توسط آسیب دیدگان مطمئن باشند. چرا که تجارب تا کنونی نشان داده است، بخش بزرگی از کمک های نقدی و جنسی مردم به آسیب دیدگان زلزله و سیل، سر از حساب های دولتی و مقرات سپاه و منازل فرماندهان و زیردستانشان در می آورد.

حمایت مردم از همدیگر علاوه بر انساندوستی، نشان همبستگی و همسرنوشتی مشترک توده های مردم زحمتکش و تحت ستم در همه ی جنبه های کار و زندگی و مبارزه است. دارو دسته های مذهبی تلاش می کنند، به این همبستگی و همسرنوشتی مهر دین و خیریه ای بزنند. اما تجارب مبارزاتی جنبش های کارگری و اجتماعی و خیزش های انقلابی توده ای بویژه در شهریور ۱۴۰۱ تا کنون، نشان داده است که عامل انساندوستی و همدردی و همیاری مردم خیریه و خرافات نیست، یک همبستگی و همسرنوشتی و منفعت مشترک برای بهبود شرایط زندگی، رهایی از فقر و گرسنگی و برای آزادی و برابری است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) مردم آزادخواه در سراسر ایران را به حمایت های عملی از مردم سیل زده در سیستان و بلوچستان فرا میخواند. در این روزهای سخت که صدها هزار انسان محروم با فقر و آوارگی در نتیجه سیل روبرو هستند، باید در کنارشان باشیم و به هر میزان که ممکن است آنها را یاری کنیم. ما از همه شما فعالین کارگری، زنان و جوانان انقلابی، مردم انساندوست و آزادخواه، می خواهیم که همه جا کمک های مردمی را در حمایت از مردم سیستان و بلوچستان سازمان دهید و مردم سیل زده را با حلقه انسانی بزرگ در سراسر ایران حمایت کنید.

در شهرها و روستاها، دختران و پسران پرشور انقلابی جانباخته ای که قربانی توحش رژیم در کردستان شدند، به جوخه های اعدام سپرده شدند یا در جنگ با رژیم جانباختند، و با زنده باد سوسیالیسم زندگی را ترک کردند.

کردستان ایران، برای رژیم در تمام طول حیات اش، نامن، بیگانه، و وصله ناچسب بود! کردستان چپ بود! زنان کمونیست و انقلابی در این جامعه نه تنها رهبران و سخنرانان در مناسبتهای مختلف بودند که بعلاوه همراهمردان کمونیست و انقلابی اسلحه بر دوش علیه جمهوری اسلامی جنگیدند و ارتجاع ضد زن را به چالش کشیدند. کردستان چپ بود و سندیج سرخ و ایده های سوسیالیستی، برابری طلبانه و آزادیخواهانه، تماما اجتماعی و مردمی شده بود! در کردستان به یمن حضور و قدرت کمونیستها آزادی زن و برابری زن و مرد حتی در عقب مانده ترین نقاط داده همگانی بود. جمهوری اسلامی هرگز قادر به بازپس گیری این دستاورد و چپگرایی از کردستان نشد!

اعتراضات وسیع اجتماعی در برابر خشونت علیه زنان در کردستان ایران، تاریخ طولانی دارد. از برگزاری مراسم های سرخ و بزرگ هشت مارس با قطعنامه ها و سخنرانی های رادیکال و برابری طلبانه آن، از رابطه تنگاتنگ جنبش آزادی زن در کردستان با سایر نقاط تا تحرک اعتراضی «زنان سرخ پوش مریوان» و دفاع جامعه از «ژیلدا و بختیار» و اعتراضات وسیع اجتماعی در اعتراض به قتل های ناموسی چون «شلیبر رسولی» تا جمع شدن دهها هزار نفر در شهر سقز و در اعتراض به قتل حکومتی مهسا امینی و... گویای ریشه های عمیق فرهنگ مدرن، غیرسنتی و غیرمذهبی و رهایی زن در کردستان ایران است.

اکنون و پس از قتل مهسا امینی و خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱، کردستان ایران، در شرایط جدید، در شرایطی که سراسر ایران نزدیک به دو دهه است که دیوار اختناق را شکسته است و برای آزادی و برابری پیاخواسته است، بعنوان گردانی از یک لشکر سراسری در جدال بر سر آزادی و برابری و رهایی زن، در صحنه مانده است. نه اختناق و نه تلاش در رنگ قومی و مذهبی زدن به این جنبش، مانع اتحاد و همبستگی و همسنوشتی اجتماعی در سراسر ایران نشد.

هشت مارس امسال کردستان ایران میتواند بعنوان «گورستان زن ستیزان» مهر خود را دوباره بر اوضاع بکوبد!

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۴ مارس ۲۰۲۴ - ۱۴ اسفند ۱۴۰۳

## گرامی باد هشت مارس! کردستان گورستان زن ستیزان!

امسال هشت مارس، در سراسر ایران، و از جمله در کردستان، رنگ و بوی دیگری دارد. هشت مارس امسال رنگ و بوی یک برتری اخلاقی، سیاسی، جنبشی و بالاخره برتری یک قدرت، قدرت انقلابی برای رهایی زن، را بر خود دارد.

جنبش انقلابی که دو سال پیش و با قتل حکومتی مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱، کلید آن در کردستان ایران زده شد و سوت آغاز یک تحول انقلابی و سراسری در ایران در مقابل جمهوری اسلامی و علیه زن ستیزی، با پرچم «زن، زندگی آزادی» را به صدا در آورد. خیزش انقلابی که پژواک آن صدها مرتبه قوی تر در سراسر ایران و در یک همبستگی و اتحاد سراسری بین اکثریت هشتاد میلیونی جامعه ایران، از آذربایجان و گیلان، تا سیستان بلوچستان و خوزستان، از تهران و خراسان تا اصفهان و شیراز تا دورافتاده ترین مناطق محروم و روستایی، جامعه ایران را لرزاند و جمهوری اسلامی ایران را در مقابل آن خلع سلاح و بی قدرت کرد!

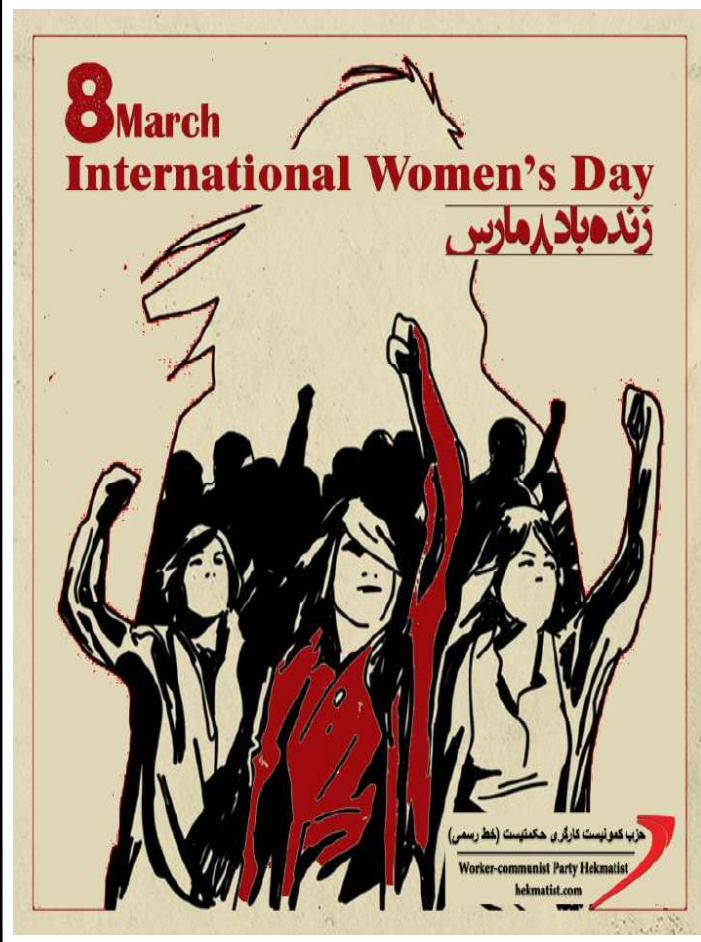
قتل صدها و صدها جوان و نوجوان بی گناهی که برای یک زندگی انسانی با پرچم «زن زندگی آزادی» به میدان آمده بودند، همه زخم های عمیق و خشنی که بر تن و پیکره جامعه زدند، سرکوب نوجوانان و کودکان خردسال دانش آموز در مدارس، دانشجویان در دانشگاهها، تعرض به خوانندگان پیشرو و انقلابی، خبرنگاران شجاع و مردمی، تعرض به کارگران معترض و پیشرو که با آغاز خیزشی انقلابی و سراسری با پرچم حق زن بیش از پیش در سراسر ایران حول حق زن، متحد و همبسته شده بودند، هیچیک قادر به عقب زدن این جنبش انقلابی نشد! جنبشی که سراسر جهان، نام مهسا را به حق زن در ایران گره زد، و در حمایت از آن برای حق زن در ایران به میدان آمد!

خیزش انقلابی که به بهایی سنگین، نه تنها حجاب در ایران را عملاً لغو کرد، بلکه قوانین شنیع اسلامی در مورد حق زن و حق انسان، را عملاً لغو کرد. تنها نگاهی به ایران پیش و پس از خیزش انقلابی در ایران برای رهایی زن، کافی است که تغییر عظیمی که در ایران به نفع حق زن صورت گرفته است، که نه محصول هیچ جناحی از حکومت و از جمله پارازیت هایی چون اصلاح طلبان و مدافعین «فمینیسم اسلامی» است و نه هیچ نیرو و قدرت غیرمردمی، چون اپوزیسیون راست و همه شاخه های قومی و محلی و ناسیونالیست های عظمت طلب است. این دستاورد یک جنبش مردمی، مترقی است که رهایی زن را به سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، گره زده است! جنبشی که چپ، رادیکال، سراسری، غیرمذهبی، غیرسنتی، غیرقومی و مترقی است.

جنبش حق زن در کردستان به عنوان بخشی از یک جنبش سراسری چه در گذشته و چه در این دوره و بعد از قتل مهسا، علاوه بر جمهوری اسلامی و ارتجاع مذهبی و قوانین ضد زن و آپارتاید حاکم، همزمان علیه فرهنگ و سنت عقب مانده، ضد زن، اسلام سنی و جنبش ناسیونالیستی کرد در کردستان بوده است. جنبشی که نه تنها در ضدیت با زن دست کمی از ارتجاع حاکم و قوانین شیعه و رسمی حکومت ندارد، که بعلاوه به نام «زن کرد» تلاش میکرد نه تنها در جنبش حق زن انشقاق ایجاد کند که بعلاوه آنرا به زیر پرچم ناسیونالیسم کرد بکشاند، بر این جنبش لباس ملی، محلی و ناسیونالیستی بپوشاند و آنرا از محتوا خالی کند. خیزش انقلابی ۱۴۰۱ که با پرچم برابری زن و مرد سراسر ایران را فرآ گرفت، در کردستان علاوه بر عقب نشینی به ارتجاع اسلامی حاکم، جنبش ناسیونالیستی کرد را هم به عقب راند، حرمت و جایگاه زن را در کل جامعه بالا برد و مرد سالاری و فرهنگ ضد زن را پس زد.

تمام دقایق و لحظات آن جنبش که در اوج خود بود و امروز رژیم تلاش میکند به فراموشی سپرده شود، باید در هشت مارس امسال گرامی داشته شود، به یادآورده شود و در مقابل کسانی که افت و خیزهای جنبش اعتراضی مردم در ایران، و بخصوص در زمینه حق زن را یا نشان شکست و تسلیم میدانند یا «پایان ماجرا»، قرار داد.

زنان و مردم آزادیخواه در کردستان در این جنبش نقش جدی ای داشتند، به این دلیل که کردستان تاریخی علیه جمهوری اسلامی دارد که آزادی و رهایی زن، رفاه همگانی، برابری و امنیت، پرچم آن بود. جامعه ای که در آن نسلی از زنان و مردان کمونیست ایفای نقش کردند، با جمهوری اسلامی جنگیدند و علیه بی حقوقی زن، علیه فرهنگ و سنت عقب مانده و عشیره ای در خود این منطقه به جدال پرداختند و پرچم برابری زن را به اهتزاز در آوردند. جامعه ای که در آن هزاران تن از فرزندان مردم،



hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی

به حزب حکمتیست  
(خط رسمه) کمک ماله کنید!

کمک هایتان را از هر کاناله که خود مناسب  
میدانید، بدست ما برسائید.

پخش برنامه های نینا از کانال یک

برنامه های نینا هر سه شنبه راس ساعت  
۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در  
شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نینا را در شبکه های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena